

متن پیاده سازی شده جلسه هشتاد و نهم خارج اصول 26 بهمن 1399

بسمه تعالی

دوران امر بین نسخ و تخصیص

گفتگو به نقد محقق نائینی بر فرمایش شیخ اعظم رسید به این شکل که جناب شیخ راجع به ورود مخصصات بعد از عام آن هم گاهی چند دهه بعد از ورود عام، [از طرفی تخصیص عام بعد از عمل، معنا ندارد زیرا تأخیر بیان از وقت حاجت است و از طرفی مقدار زیادی از مخصصات اینگونه از جانب اهل بیت ع صادر شده است لذا نفس این مسأله را بالاستقلال نگاه کنید جدای از دوران امر بین نسخ و تخصیص، بالاخره با این پدیده چه باید کرد؟] سه احتمال داد، احتمال اول و دوم را رد کرد و سوم را پذیرفت؛ آقای نائینی به طور خلاصه احتمال اول و سوم را قبول ندارد و احتمال دوم را صحیح می داند. احتمال اول همان نسخ بود یعنی بگوییم تمام این مخصصات وارده، ناسخ عموماً و اطلاقاتی هستند که خیلی از آن ها در قرآن هست و خیلی هم در کلام رسول گرامی ص آمده؛ اولین مشکل این احتمال این است که در زمان انقطاع وحی، نسخ چه معنایی دارد؟ امام باقر ع و امام صادق ع که رسالتشان نسخ نیست؛ یا بگوییم نسخ بود و بیان آن به ایشان محول شده است اما به هر حال زیربار این حرف نمی توان رفت، علما هم نمی روند و این مقدار ناسخ قابل قبول نیست. این مطلب راجع به احتمال اول را هم شیخ و هم نائینی قبول دارند البته بیان نائینی فرق می کند و به نظر ما فنی تر است. دومین احتمال که نائینی قبول دارد و شیخ نمی پذیرد این بود که گفته شود : مخصصات زمان امام باقر ع و امام صادق ع، همان زمان پیامبر ص هم بوده است لکن بر ما مخفی مانده است مثلاً بر یک عده از شیعیان زمان امام صادق ع هم مخفی مانده و بعد که امام ع فرمودند معلوم شده است نه اینکه صد سال مسلمانان به عام عمل کرده باشند بلکه آن ها می دانستند، ما الان هزار سال بعد فکر می کنیم امام صادق ع اولین بار فرموده اند. شیخ فرمود آنقدر دواعی نقل در مسلمانان و شیعیان بوده است که این مطلب بعید به نظر می آید. نائینی می گوید این چه بُعدی دارد؟ خیلی از مخصصات را سنی ها با طرق خودشان از پیامبر ص دارند که کشف می کند مخصصات متصله بر ما مخفی مانده است. ایشان می فرماید اتفاقاً احتمال سوم که شما پذیرفتید مشکل دارد.

احتمال سوم این بود : چه اشکالی دارد یک حکم عامی بیاید ولی قانونگذار ظاهراً آن را القا کند و مسلمانان صد سال هم عمل کنند در حالی که در واقع تخصیص دارد اما مصلحت در این بوده است که ظاهراً به عام عمل کنند؛ بعد از آنکه امام صادق ع مخصص را بیان کردند فهمیدند تکلیف واقعی آن ها اینگونه بوده است. این احتمال نمی گوید چیزی مخفی شده و با احتمال دوم خیلی فرق دارد.

آقای نائینی می گوید : اگر مصلحت حکم واقعی همان حکم تخصیص خورده است برای صد سال اول، پس باید قانونگذار آن را بیان کند [فرض این است که جای تقیه هم نبوده] به چه دلیل بیان نکرده است؟ خب به جای امام صادق ع خود امیرالمؤمنین ع یا پیامبر ص می فرمودند؛ اگر هم مصلحت نبوده یعنی مصلحتی که دخیل در ملاک حکم باشد و هنوز مصلحت حکم مخصص نیامده باشد [مثلاً درست است که حرم الربا باید در کلام امام ع تخصیص بخورد اما هنوز ملاک آن نیامده است] در این صورت پس همان حکم عام، واقعی است تا زمانی که خاص بیاید. این همان نسخ است چون نسخ، آن است که حکمی بیاید بعد آمد آن تمام شود حال چه کل آن نسخ شود چه بعضی از آن، پس این همان احتمال اول یعنی نسخ است. پس اشکال اول نائینی این است که از سه احتمال شما، یک و سه قابل پذیرش نیست و احتمال سوم را باید پذیرفت. انشاءالله در

مرحله تحقیق به بررسی این نظرات می پردازیم که آیا راه شیخ را قبول کنیم یا راه نائینی یا راه سومی را برویم؟ خب نقد نائینی بر شیخ تمام شد.

ما فرمایش های نائینی که نزدیک دو صفحه از آن را آورده ایم را در 5 شماره قرار دادیم. این شماره زدن خیلی مهم است، باید کلمات بزرگان را مدیریت کرد حتی ما بعضی وقت ها عنوان هم می زنیم. اولین نکته، نقد بر شیخ بود. اما مطلب دوم نائینی : ایشان در مسأله دو اندیشه را بیان می کند، یکی تقدیم تخصیص بر نسخ و دومی تقدیم نسخ بر تخصیص سپس برای این دو دیدگاه، استدلال کوتاهی ذکر می کند و در ادامه یکی را توضیح می دهد نه اینکه بپذیرد.

می فرماید : در مسأله ما یعنی خاص هایی که بعد از عمومات آمده اند حال یا ناسخ است یا مخصص [تعبیر به خاص با تعبیر به مخصص فرق دارد، مخصص را جایی می گوئیم که تخصیص بودن پذیرفته شده باشد]. استدلال قائلان به تقدیم تخصیص [استدلال رائج آن ها] این است که تخصیص، پدیده ی رائجی در صحن شریعت است بر خلاف نسخ. [این در کلام شیخ انصاری هم بود] استدلال قائلان به نسخ هم این است که اگر خاص حمل بر نسخ گردد، در واقع عام را تخصیص نزدیم بلکه اطلاق زمانی آن مقید شده است در حالی که اگر تخصیص زدیم، عموم افرادی آن تخصیص می خورد.

مثال : «أحلّ الله البيع و حرّم الربا» این یک عام قرآنی است اما زمان امام صادق ع یک دلیل مسلم می آید که بین پدر و فرزند ربا نیست، خب می توان این را ناسخ شمرد یعنی حرم الربا از اول همه ربا ها را می گرفته است اما استمرار این حکم از زمان امام صادق ع به بعد، مقید شد و دیگر استمرار ندارد هرچند در بعضی از افراد؛ استمرار حکم هم از اطلاق آن استفاده می شود [مثلاً می گویند «اوفوا بالعقود» همه ی عقود را در همه زمان ها می گیرد، اما شمول برای همه افراد از عموم است و استمرار زمانی آن از اطلاق است] اما اگر قائل به تخصیص شدیم یعنی حرّم الربا از اول همه افراد را نمی گرفت و عموم آن تخصیص خورده بود و به ما یاد داده اند در دوران امر بین تخصیص عام و تقييد مطلق، دومی مقدم است لذا برخی به شیخ انصاری اشکال کردند که سابقاً در دوران امر بین تخصیص عام و تقييد مطلق هرچند شمولی، گفتید تقييد مطلق را باید گرفت اما اینجا تخصیص را بر نسخ مقدم می کنید در حالی که تخصیص، از عموم افرادی است و نسخ مربوط به تقييد مطلق است و این با کلام سابق شما نمی سازد. [البته ما قبول نکردیم تقدیم تقييد مطلق شمولی، اولویت داشته باشد و بحث های خوبی در این باره ارائه شد] پس نائینی تا اینجا دو دیدگاه را همراه با دلیل آن ها بیان کرد اما خود ایشان اظهار نظر ننمود. انشاءالله جلسه آینده.

الحمد لله رب العالمين